

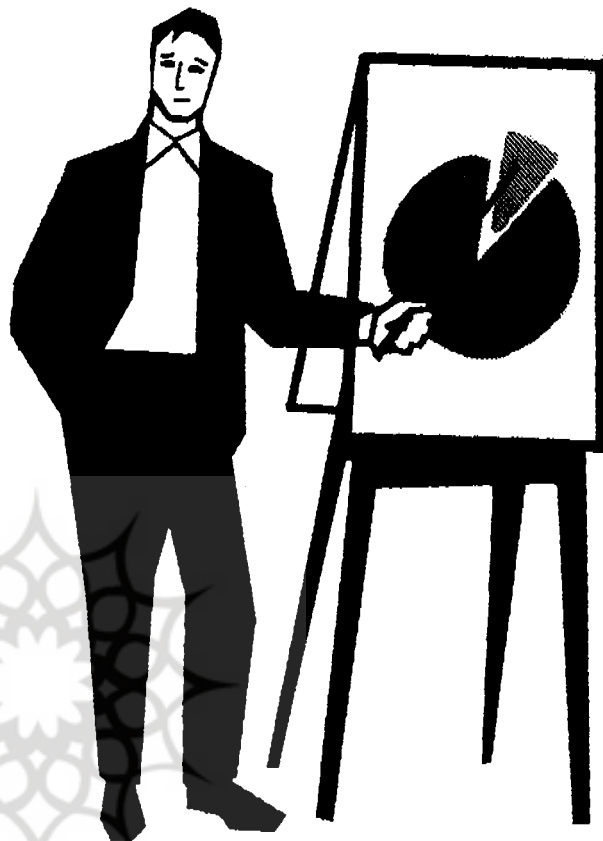
دبیر کل درخواست نمود که از طریق کمیسیون توسعه اجتماعی گزارشی را حاوی اطلاعات عمومی مربوط به اقدامات قانونی (راهبردهای حقوقی) و راهکارهای اجرایی انجام شده در کشورها، تسلیم پنجاه و چهارمین نشست مجمع عمومی نماید. همچنین، از دبیر کل تقاضا شده بود که از طریق همکاری با کمیته ارتقاء و پیشبرد فعالیتهای تعاونی، سهولت و مطلوبیت هماهنگی اقدامات سازمان ملل با هدف ایجاد فضای حمایتی برای توسعه تعاونی‌ها و از جمله تنظیم یافته‌ها و پیشنهادات ارائه شده در همین گزارش را مورد تأیید قرار دهد.

۳- در پاسخ به پرسشنامه دبیر کل به عنوان دولتها، پاسخهای ۳۸ سازمان دولتی در ۳۵ کشور در پایان نوامبر ۱۹۹۸ دریافت گردید. پرسشنامه دبیر کل، همچنین به تعدادی از سازمانهای ملی تعاونی ارائه شد که از بین آنها ۵۶ سازمان پاسخهای خود را ارسال نمودند. در زمینه تهیه گزارش فعلی، دبیر کل، به اطلاعات ۹۴ سازمان دولتی و نیز سازمانهای ملی تعاونی در ۶۵ کشور جهان دست یافت.

۴- در پی تقاضا از مجمع عمومی، طی قطعنامه شماره ۵۱/۵۸ و در راستای همکاری با کمیته ارتقاء و پیشبرد فعالیتهای تعاونی، دبیر کل در واقع با بهره‌گیری از امتیازات ناشی از عضویت سازمان ملل، در کمیته مربوط و نیز بهره‌مندی از پایگاه اطلاعاتی به دست آمده از سوی کمیته و اعضاء مجمع مؤسسين و با حضور در مباحثات پنجاه و هشتمین جلسه گردهمایی کمیته در نوامبر ۱۹۹۶، پنجاه و هشتمین جلسه گردهمایی در اکتبر ۱۹۹۸، و نیز در اجلاس مشورتی کارشناسان بخش تعاون با محوریت موضوع هماهنگی و همکاری راهبردهای سازمان ملل برای توسعه تعاونی‌ها در ماه مه ۱۹۹۷، به تبیین مواضع خویش پرداخت.

قوانین و مقررات ناظر بر کار تعاونی‌ها

۵- مقوله قانونگذاری و قوانین و مقررات



وضعیت و نقش تعاونی‌ها در پرتو راهبردهای جدید اقتصادی و اجتماعی

گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد به مجمع عمومی

(بخش اول)

○ گروه ترجمه

مقدمه

۱- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، طی قطعنامه شماره ۵۱/۵۸، دوازدهم دسامبر ۱۹۹۶، کلیه دولتهای جهان را به منظور تبیین شرایط اجرایی - حقوقی ناظر بر فعالیتهای تعاونی‌ها با هدف تأمین فضای

حمایتی برای تعاونی‌ها، به گونه‌ای که آنها بتوانند سهم مناسبی را در نیل به اهداف توسعه ملی و از جمله رفع نیازمندیهای اساسی انسانی به طور عام، ایفا نمایند، ملزم به بازبینی و اصلاح دیدگاههای خود نمود.

۲- در همین قطعنامه، مجمع عمومی از

حاکم بر عملکرد شرکتهای تعاونی را می‌توان در قراردادهای و اسناداردهای بین‌المللی، قوانین موضوعه و قانون اساسی ملی، همچنین آیین‌نامه و سایر مقررات فرعی (کمکی)، به‌سادگی یافت. حتی در غیبت قوانین شفاف، تعاونی‌ها عموماً تحت پوشش اصول حقوق بشر، تضمین شده در قانون اساسی هر کشوری و با درک موقعیت آنها برای ایجاد بخشی از ارزشهای انسانی، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

برخی از این حقوق عبارتند از:

آزادی اجتماعات، حمایت و حفاظت از دارائیهای شخصی (خصوصی)، آزادی بهره‌مندی از هر گونه تخصصی‌های ویژه حقوقی، آزادی تشکیل ائتلافات، بهره‌گیری حقوق انسانی در امر توسعه، حقوق دموکراتیک اساسی و نیز آزادی دستیابی به دادگاهها. اصول تعاون از جمله عضویت آزاد و داوطلبانه، مدیریت و کنترل دموکراتیک، استقلال در زمینه تبیین و تنظیم اهداف و نظام تصمیم‌گیری، همگی در زمره "حقوق اولیه (اساسی) بشر" می‌باشند. لذا می‌توان ادعا نمود که محیط (فضا) برای توسعه تعاون و گسترش فعالیتهای تعاونی، در جائیکه "حقوق اولیه و اساسی انسانی" تضمین گردیده است، فضایی بسیار مطلوب می‌باشد.

۶- قانون اساسی ملی کشورها، می‌توانند به تصریح و تأکید نقش تعاونی‌ها در جامعه و اقتصاد ملی (در دولتهای محلی، اصلاح زمین و غیره) بپردازند. بسیاری از دولتها، به تعاونی‌ها به دیده نوع خاصی از سازمانهای تجاری بازرگانی و یا شرکتهای تولیدی حاضر در بازار، می‌نگرند.

با توجه به قوانین تعاونی ویژه‌ای که در قالب یک قانون ناظر بر انواع و اقسام تعاونی‌ها و یا قوانین جداگانه‌ای که برای انواع مختلف و شاخه‌های گوناگون تعاونی‌ها وجود دارند، شرایط و ضوابط حاکم بر شرکتهای تعاونی را می‌توان در فصول خاص اکثر قوانین عمومی‌تر از قبیل (قانون مدنی، قانون تجارت، قانون کار و نیز قانون روستاها) و همچنین در ضوابط ویژه ناظر بر تقاضای قانون سازمانهای عمومی برای

تعاونی‌ها (از جمله قانون صنعتی در بریتانیای کبیر - در قانون رقابت)، (قانون موسوم به *Capper_Volstead* در ایالات متحده آمریکا)، و یا در قانون مالیاتها، روئت نمود. تعداد کثیری از کشورها فاقد قوانین خاص تعاونی‌ها بوده و در حقیقت شرکتهای تعاونی در قالب قوانین عمومی از قبیل قانون مالیاتها، قانون رقابتها، تجاری و قانون کار حاکم بر کلیه سازمانهای تجاری - بازرگانی، به فعالیت مشغولند. این تعاونگران هستند که قوانین مناسب برای اداره شرکتهای تعاونی را انتخاب کرده و با تصویب آیین‌نامه‌ها مطابق با نیازمندیهای خویش و بر مبنای تجربیات عملی خود و اصول تعاون که در سطوح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند، به فعالیتهای خود شکل قانونی می‌دهند.

۷- در برخی از کشورها که قانون تعاون عام بوده و صرفاً به اصول اصلی پرداخته شده است، موارد جزئی از طریق قوانین و مقررات که گاهی اوقات با اشاره به میزان تقاضا یا تکمیل فعالیتهای تبیین می‌گردند، کامل می‌شوند. دیگر اشکال قوانین فرعی (کمکی) از طریق دستورالعملهای صادره از سوی وزارتخانه ذیصلاح، تهیه و اعمال می‌شوند. این قبیل قوانین، مقررات، دستورالعملها، مصوبات و بخشنامه‌ها طبق قوانین موضوعه هر یک از موارد خاص مربوطه، تنظیم و ابلاغ می‌گردند. لیکن، همواره هم شکل قضیه اینگونه نیست، در مواردی آنها حتی ممکن است اولیتهای را تغییر داده و یا اهداف مندرج در قانون و میزان تأکید بر اصول، تحت تأثیر اولیتهای قرار گیرند.

به عنوان مثال قوانین و مقررات آزاد به ممانعتها و محدودیتهای تبدیل شده و ممکن است حتی در مواردی استثناها آن قدر زیاد و در دسر ساز شوند که عملاً منجر به فضایی نامطمئن و ابهام‌آمیز و حتی موجب رکود فعالیت تعاونی‌های واقعی شده و در عین حال، اغلب به تشویق و ترغیب تعاونی‌ها، جهت روی آوردن به اقدامات غیر قانونی، بیانجامند.

۸- مقررات تعاونی معمولاً توسط اعضای مؤسس یک شرکت تعاونی نوشته می‌شوند و در مرحله بعد، همان مقررات ممکن است توسط اعضای و با توجه به روشهای اجرایی تعیین شده در قانون و یا آئین‌نامه‌هایی مصوب همان تعاونی، اصلاح شوند. از آنجا که بسیاری از تعاونگران تسلط کافی به روشهای تنظیم پیش‌نویس‌های متون حقوقی نداشته و از ریزه‌کاریها و جزئیات مرتبط با قوانین آگاه نمی‌باشند، اتکاء به الگوهای مختلف قانون و آئین‌نامه‌های اجرایی به عنوان اصول راهنما، برای ایشان نوعی تمرین و کارآموزی مشترک تلقی می‌گردد. چنین آئین‌نامه‌های الگو، را یا نهادهای ملی (به عنوان مثال، مؤسسات ثبتی یا انجمنهای دوستی در بریتانیای کبیر و یا اداره کل کشاورزی در ایالات متحده آمریکا) و یا از



در اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن، نهضت تعاون در چارچوب سازمانهایی مردمی، در اواسط قرن نوزدهم، شکل گرفت. از آن زمان تاکنون، تعاونی‌ها که در بخشهای مختلف بانکداری، شرکتهای مدرن صنعتی - خدماتی، کشاورزی و بنگاههای تجاری بازرگانی کوچک و متوسط، خوب ظاهر شده‌اند، به یک قدرت اصلی اقتصادی تبدیل گردیده‌اند. در این قبیل کشورها، تعاونی‌ها بخش مهمی از اقتصاد را تشکیل داده و در بعضی بخش‌های فرعی، سهم قابل توجهی از بازار را در اختیار خود دارند، (به عنوان مثال در بازار غلات، فرآورده‌های لبنی و صنایع شیر). در این ممالک، تعاونی‌ها ثابت کرده‌اند که می‌توانند در بازار اقتصاد، به صورت رقیب ظاهر شوند و فعالیت کنند.

سوی سازمانهای وابسته به تعاونی‌ها به عنوان نوعی خدمات رسانی به وابسته‌های (تعاونی‌ها) جدید، تنظیم و ارائه می‌شوند.

۹- قانونگذاری در بخش تعاون، ممکن است به عنوان امتیاز ویژه‌ای در اختیار دولتها، ایالات (مثلاً در کانادا) و یا مناطق خود مختار - مستقل (مثلاً در ایتالیا یا اسپانیا) باشد.

در دولتهای فدرال (به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا و نیجریه) تقسیم قدرتهای قانونگذار (اختیارات قانونگذاری) بین اتحادیه و اعضاء مؤسس تعاونی، کاری بسیار دشوار است، لذا قانونگذاری در بخش تعاون به صورت قانونی جامع، صرفاً امری دولتی محسوب می‌شود. لیکن در موارد بسیاری، قوانین حاکم بر تعاونی‌ها (به ویژه آن بخش از قوانین مربوط به تعاونی‌هایی که حوزه عمل آنها ایالات متعددی را در بر می‌گیرد) را در سطح فدرال (قدرت مرکزی) تنظیم، تصویب و اعمال مینمایند.

۱۰- دیدگاه دولتی نسبت به تعاونی‌ها، با توجه به جمیع جهات و بر اساس منابع دولتی سیستم اقتصادی جامعه، سطح توسعه یافتگی کشور و میزان رشد و بلوغ نهضت تعاون در آن جامعه، از وسعت و تنوع زیادی برخوردار است. بعضی از دولتها، تعاونی‌ها را به عنوان ساختارهایی مطلوب و با ارزش، شایسته ارتقاء و حمایت همه جانبه و شرکاتی قابل اعتماد برای نیل به اهداف و خط مشی‌های دولتی، مدنظر قرار می‌دهند. برخی دیگر از دولتها، تعاونی‌ها را صرفاً نوعی از سازمانهای اقتصادی، در بین دیگر سازمانهای اقتصادی که در شرایط مشابه و حتی مساوی با شرکتهای تجاری بازرگانی و بنگاههای تجاری مردمی بدون هیچ گونه

امتیاز و یا محدودیتهای خاص، به کار و فعالیت مشغولند، تصور می‌کنند. در جاهای دیگر، دیدگاهها نسبت به مقوله تعاون حتی ممکن است منفی بوده و به عنوان مثال زمانی که دولتی، تعاونی‌ها را سازمانهایی مستقل، خودکفا، خودیار و احتمالاً مرتبط با (نهضت بین المللی تعاون) که اهداف و سیاستهای کار و تولید خود را مطابق با قوانین و مقررات خود ساخته و شاید مخالف منافع عمومی دولت، دنبال می‌نمایند، فرض کنند، بدیهی است که این روش تصویری منفی و مخدوش از تعاونی‌ها بر ذهن خواهد داشت.

قانونگذاری و اصلاحات اداری (اجرایی) انجام شده در اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن

الف: قاله‌های حقوقی و اداری (اجرایی) تعاونی‌ها

۱۱- در اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن، نهضت تعاون در چارچوب سازمانهایی مردمی، در اواسط قرن نوزدهم، شکل گرفت. از آن زمان تاکنون، تعاونی‌ها که در بخشهای مختلف بانکداری، شرکتهای مدرن صنعتی - خدماتی، کشاورزی و بنگاههای تجاری بازرگانی کوچک و متوسط، خوب ظاهر شده‌اند، به یک قدرت اصلی اقتصادی تبدیل گردیده‌اند. در این قبیل کشورها، تعاونی‌ها بخش مهمی از اقتصاد را تشکیل داده و در بعضی بخش‌های فرعی، سهم قابل توجهی از بازار را در اختیار خود دارند، (به عنوان مثال در بازار غلات، فرآورده‌های لبنی و صنایع شیر). در این ممالک، تعاونی‌ها ثابت کرده‌اند که می‌توانند در بازار اقتصاد، به صورت رقیب

ظاهر شوند و فعالیت کنند.

۱۲- در ایام تأسیس اولین تعاونی‌ها، قالب حقوقی مشخصی برای آنها وجود نداشت و عملیات آنها در بسیاری از موارد با محدودیتهایی مواجه بود. اولین قانون تعاون در اول ماه مه ۱۸۸۹ در امپراطوری آلمان سابق به اجرا درآمد و به شرایط نا امن و ناپایدار پیرامون تعاونی‌ها و وضعیت حقوقی آنها پایان داد. قانون مذکور اصول اساسی مرتبط با کار تعاونی‌ها را فرا روی آنها قرار داد. به عنوان مثال افزایش فعالیتهای سودآور اقتصادی از طریق عضویت و حضور در عملیات مشترک تجاری بازرگانی. همین قانون مصوب سال ۱۸۸۹ در آلمان، امروزه نیز با کمی اصلاحات ضروری، به عنوان یک قانون فدرال و مهم‌ترین بخش حقوقی مربوط به تعاونی‌ها و در واقع به عنوان سمبل و نماد، دوراندیشی پدران مؤسس اولین تعاونی‌های آلمان و اعتبار جهانی اصول تعاون، همچنان به قوت خود باقی است.

۱۳- تعاونی‌ها، در اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن، صرفاً از طریق اقدام بخش خصوصی تشکیل شده و همچنان، به طور کامل مستقل از دولت بوده و بر اساس اصل خودگردانی اداره می‌شوند. تعاونی‌ها، شبیه دیگر شرکتهای تولیدی، به عنوان شرکتهای متعلق به بخش خصوصی در سیستم بازار، عمل می‌نمایند. عضویت در تعاونی‌ها اختیاری است. به عنوان مثال در آلمان تنها نظارت دولتی که بر تعاونی‌های ملی اعمال می‌شود، این است که به موجب قانون هر تعاونی می‌بایست عضو یک مؤسسه حسابرسی باشد. دولت به این قبیل مؤسسات، این حق حسابرسی (بازرسی) در

تعاونی‌ها را تفویض نموده است با این انگیزه که از نحوه عملکرد تجاری بازرگانی ایشان مطابق با اصول صحیح اعلام شده به آنها، اطمینان حاصل نماید. تعاونی‌ها در آلمان به عنوان شرکتهای معمولی تجاری بازرگانی، با دیگر اشکال شرکتهای تجاری بازرگانی، رقابت می‌نمایند. به همین دلیل، معمولاً برای آنها، ترتیبات مالیاتی خاص و یا برنامه ریزیهای اقتصادی ویژه صورت نمی‌گیرد. تنها، استثناء گزارش شده در این قانون، این است که شرکتهای تعاونی کشاورزی و جنگلداری که امور تجاری - بازرگانی و بازاریابی خود را شخصاً و با استفاده از نیروی اعضاء خویش انجام میدهند، از هرگونه مالیات بر عملیات تجاری بازرگانی معاف می‌باشند. دولت نیز، اصولاً کمک مالی خاص و ویژه‌ای در اختیار تعاونیها قرار نمی‌دهد.

۱۴- در فرانسه، وضعیت طبقات مختلف (وضعیت حقوقی بخشهای مختلف) شرکتهای تعاونی تولیدی، اتحادیه‌های اعتباری، تعاونیهای مصرف و کشاورزی و غیره در حد فاصل زمانی بین ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰، مشخص و هماهنگ گردید. این قوانین بخشی، در واقع اهداف، عضویت و برخی دیگر از اصول شرکتهای تعاونی فرانسه را به لحاظ حقوقی تعریف کردند. قانون مصوب سال ۱۹۴۷، برای اولین بار، اصول اساسی و قواعد عمومی انواع مختلف تعاونیها را به یکدیگر نزدیک کرده و تعریفی کلی از آنها ارائه نمود. در حال حاضر، فعالیتهای شرکتهای تعاونی فرانسه در چارچوب قوانین عمومی منظم گردیده‌اند. تعاونیهای فرانسه، از اساس شخصیتهای حقوقی وابسته به قانون بخش خصوصی با ماهیت مدنی یا تجاری بازرگانی (شرکتهای تجاری وابسته به بخش خصوصی) بوده و می‌باشند.

۱۵- در اکثریت کشورهای اروپائی، برای تعاونیها و نحوه عملیات اجرایی آنها در سطح ملی در درون قوانین مدنی و عمومی، چارچوب حقوقی بسیار محکمی تنظیم و به آنها ابلاغ گردیده است.

در هلند، تعاونیها، تحت پوشش و نظارت شرایط و قواعد مندرج در "قانون مدنی هلند"

قرار دارند که بدینوسیله با آنها شخصیت ویژه‌ای داده شده است.

در ایتالیا، نیز تعاونیها تحت پوشش قوانین متنوعی که به آنها شخصیت خاص می‌بخشد، به فعالیت مشغولند. این ویژگیها (نقش اجتماعی تعاونیها) در قانون اساسی و قوانین منطقه‌ای - ملی خاص تعاونیها مصوب سالهای ۱۹۴۷، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۵ به رسمیت شناخته شده‌اند.

در ایسلند، قالب حقوقی تعاونیها در "قانون شرکتهای تعاونی" مشخص گردیده است، اما شرایط مربوط به پرداخت مالیات از سوی تعاونیها، ماهیتاً، با شرایط مربوط به شرکتهای تولیدی با مسئولیت محدود، تفاوتی ندارد.

در یونان، قانون مصوب ۱۹۸۶، ناظر بر فعالیتهای تعاونی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی می‌باشد. تعاونیهای یونان، مستقل از دخالت دولت به فعالیت مشغولند و حتی از برخی معافتهای مالیاتی، بهره‌مند می‌باشند. وزارت اقتصاد ملی، تنها مقام ذیصلاح برای کمک به تعاونیها در مناطق شهری از قبیل تعاونیهای مصرف، جهانگردی، اعتبار، حمل و نقل، بیمه پزشکی، تولید، داروسازی و دیگر زمینه‌ها می‌باشد. وزارت کشاورزی، نیز تنها مقام ذیصلاح برای نظارت بر تعاونیهای کشاورزی است.

۱۶- در بریتانیا کبیر، دولت از سال ۱۸۹۳ تا کنون، قالب حقوقی ویژه‌ای را برای تعاونیها تعیین و ابلاغ کرده است. چارچوب اصلی حقوقی که هم اکنون نیز اصالت خود را حفظ کرده است، قانون شرکتهای تولیدی - صنعتی مصوب ۱۹۶۵، است که البته در مواردی اصلاحات حمایتی خاصی روی آن صورت گرفته که آخرین آنها به سال ۱۹۷۸ باز می‌گردد.

تعاونیهای اسپانیا، تحت نظارت قانون اساسی مصوب ۱۹۷۸ و قانون عمومی مصوب ۱۹۸۷ به فعالیت مشغولند، به نحوی که به موجب همین قانون اخیرالذکر، تقسیم‌بندی قانونی (به لحاظ مقررات خاص) بین فعالیت تعاونیهای تحت پوشش دولتهای محلی، منطقه‌ای و مرکزی، صورت گرفته است. دولت مرکزی، از طریق وزارت کار و

امور اجتماعی، از تعاونیها حمایتهای قانونی لازم را به عمل آورده و انگیزه برای تشکیل تعاونیهای جدید و آموزش رهبران سازمانهای تعاونی را در آنها ایجاد می‌نماید. قانون مصوب سال ۱۹۹۰، علاوه بر اصلاحات مورد نیاز مالیاتی، مقررات جدیدی جهت شناخت بیشتر اهمیت اجتماعی و عملکرد تعاونیها به ارمغان آورد. شرکتهای تعاونی در قبرس، تحت پوشش "قانون و مقررات شرکتهای تعاونی" به ثبت رسیده و فعالیت می‌نمایند. تعاونیها در این کشور مستقل بوده و تنها تحت نظارت "مؤسسه ثبت شرکتهای تعاونی" و رئیس اداره توسعه تعاونیها در وزارت بازرگانی، صنعت و جهانگردی قرار دارند. تعاونیها توسط "سازمان مستقل بازرسی شرکتهای تعاونی" حسابرسی و بازرسی می‌شوند. با توجه به شناسایی اهمیت اجتماعی و نقش تعاونیها در جامعه، اصولاً فعالیتهای تعاونی در قبرس از پرداخت مالیات و دیگر هزینه‌ها، معاف می‌باشند.

۱۷- قانون اساسی پرتغال، شخصیت حقوقی تعاونیها را برابر با بخشهای دولتی و خصوصی، به رسمیت می‌شناسد. ویژگی خاص تعاونیها برای انجام امور حقوقی و اداری منظم، در "قانون تعاون" و "مکمل قانون تعاون" و "قانون مالیاتی شرکتهای تعاونی" به رسمیت شناخته شده است.

در کشور فنلاند، اولین "قانون شرکتهای تعاونی" در سال ۱۹۰۱ تصویب شد و به موجب آن، شخصیت حقوقی خاصی برای تعاونیها و فعالیتهای قانونمند منظم آنها در نظر گرفته شد. قانون مذکور، تاکنون طی سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۸۹ اصلاح گردیده است.

در سوئد، قانون عمومی ناظر بر کار تعاونیها، در قالب "قانون مؤسسات اقتصادی مصوب ۱۹۸۷" به اجرا درآمده است. به علاوه، بانکهای تعاونی، تحت پوشش "قانون بانک کارکنان مصوب ۱۹۹۵" و همچنین تعاونیهای مسکن، تحت نظارت "قانون تعاونیهای مسکن مصوب ۱۹۹۱" به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

در کشور مالت Malta، اولین قانون ناظر



این قوانین، شخصیت ویژه تعاونیها را در چند جهت؛ (الف) کنترل دموکراتیک سازمان بر مبنای یک عضو، یک رأی، (ب) محدودیت بهره‌های متعلق به وجوه سرمایه‌گذاری شده و (ج) به رسمیت شناختن بهره‌های متعلق به درآمدهای ناشی از مشارکت و نه سرمایه‌ی اعضا، به رسمیت شناخته‌اند. همچنین، قوانین منظم ملی (فدرال) برای حمایت از فعالیتهای تعاونی به طریق ذیل وجود دارند: (د) زمانی که محصولات کشاورزی براساس کار جمعی در تعاونی، تولید، بازاریابی و مورد معامله قرار گرفته است، از معافیت‌های محدود ناشی از "قانون ضدتر است" موسوم به "قانون Capper-Volstead" برخوردار می‌شوند؛ (ه) مالیات بر درآمد تعاونیها تنها یکبار و معمولاً در سطح عضو، "قانون درآمدهای داخلی"، با این ترتیب محاسبه می‌شود که تعاونیها برای منافع خود، به فعالیت نپرداخته‌اند، بلکه بیشتر به عنوان بنگاههای تجاری برای اعضا، تلاش و فعالیت می‌نمایند و (ی)، برای کاهش تعداد تعاونیهای که می‌بایست گزارش‌های مالی خود را به ثبت نهاد حکومتی (قوانین امنیتی فدرال) رسانده باشند، و به این ترتیب روابط نزدیکی را بین تعاونیها و اعضا آنها که در واقع مصرف‌کنندگان واقعی تولیدات آنها هستند، برقرار می‌نماید؛ سازمانهای ملی کمک‌کننده به اشخاص علاقمند به تشکیل و راه‌اندازی تعاونیها، عبارتند از: "اداره گروه خدمات به تعاونیهای کشاورزی ایالات متحده"، "واحد خدمات روستایی"، "سیستم اعتبارات کشاورزی" و "بانک ملی تعاون".

* اصلاحات انجام شده در دهه ۱۹۹۰

۱۹- در ژاپن، قالب حقوقی و اداری حاکم بر فعالیتهای تعاونیها بر مبنای بخشهای مختلف، (کشاورزی - مصرف و غیره) و در ارتباط با اتحادیه‌های کارگری و تعاونیهای مصرف تعیین گردیده است. اتحادیه‌های کارگری، تحت پوشش و حمایت "قانون اتساحیه‌های کارگری" مصوب ۱۹۴۹ می‌باشند. آنها از حقوق یک شرکت برخوردار بوده و نظام مالیاتی ویژه‌ای برای

قانون ناظر بر فعالیت تعاونیها در ترکیه در سال ۱۹۶۹ به تصویب رسید و از آن زمان تا کنون هم چندین بار اصلاح گردیده است. به طور سنتی، قالب حقوقی - اداری حاکم بر فعالیت تعاونیهای ترکیه، مشابه قالب موجود در سایر کشورهای اروپایی است.

۱۸- در ایالات متحده آمریکا، تعاونیها بیشتر، تحت پوشش و نظارت قوانین ایالتی قرار دارند تا قانون فدرال. قوانین ایالتی، به گونه‌ای کلی (وسیع)، شرایط عمومی و راهکارهای اجرایی امور تعاونیها را به گونه‌ای که معمولاً مغایرتی با قوانین فدرال ندارند مشخص کرده‌اند. اعضا، تعاونیها، درخصوص تصمیم‌گیری برای شروع و چگونگی فعالیتهای تجاری بازرگانی خود آزادند، البته تا جائیکه وضعیت قانونی و قالب حقوقی، ناظر بر تعاونی، آسیب نبیند.

بر تعاونیها در سال ۱۹۴۶ تصویب شد و در سال ۱۹۷۸ از اساس مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت. اما، در بلژیک، دانمارک و نروژ، برخلاف دیگر کشورهای اروپایی، قانون عمومی خاصی برای تعاونیها وجود ندارد. در نروژ، برخلاف دیگر کشورهای اروپایی، قانون عمومی خاصی برای تعاونیها وجود ندارد.

در نروژ، تعاونیها تحت نظارت قوانین جداگانه‌ای موسوم به "قانون شرکتهای ساختمان و مسکن" و "قانون عملیات بیمه" که هر دو مصوب ۱۹۶۰ می‌باشند، به فعالیت مشغولند.

در بلژیک، تعاونیها تحت نظارت قوانین شرکتهای تجاری بازرگانی قرار داشته و اساساً هیچگونه تمایزی بین تعاونیها به لحاظ فعالیتهای تجاری قانونمند، وجود ندارد.

آنها در نظر گرفته شده است. فعالیت شرکتهای تعاونی مصرف، تحت نظارت قانون شرکتهای تعاونی مصرف و معاش مصوب ۱۹۴۸ که از سوی وزارت بهداشت و رفاه، تنظیم و اجرا می‌شود، انجام می‌گردد. تعاونیهای مصرفی که صرفاً در یک دوره و حوزه عمل خاصی به فعالیت مشغولند، منحصرأ نیز تحت نظارت دولتهای محلی مستقر در دوره‌های خاص قرار دارند، دیگر تعاونیهای مصرف را وزارتخانه تحت پوشش و نظارت خواهد داشت.

۲۰. براساس اطلاعات دریافتی دبیر کل از اصلاحات حقوقی و اجرایی انجام شده طی دهه گذشته، این امکان بوجود آمده است که عملاً سه گروه از کشورها را در این مقوله، مورد توجه و ارزیابی قرار دهیم. اولین گروه، آن دسته از کشورهایی هستند که هیچگونه گزارشی در خصوص تغییر و تحولات اساسی، متأثرکننده توسعه بخش تعاون در آنها، ارائه نگردید است. به عنوان مثال: در حالی که مقررات اداری گوناگون، قانونمندی اقدامات انجام شده توسط تعاونیها را تحت تأثیر قرار داده و گاهیگاهی موجب تغییر و تحول در آنها گردیده است، اکثریت قوانین مصوب در ایالات متحده در ارتباط با تعاونیها که به سالهای دهه ۳۰ (۱۹۳۰) باز می‌گردند، همچنان ثابت و دست نخورده در حال اجرا می‌باشند و یا مثلاً در آلمان و یونان، قالب حقوقی و قانونگذاری در بخش تعاون، اخیراً و به طور اساسی مورد اصلاح قرار نگرفته‌اند.

در یونان، تغییرات جزئی اخیر در قوانین تعاونی به ویژه در مورد مؤسسات اعتباری تعاونی (بانکهای تعاون)، به منظور حمایت از آنها برای ایفای نقش بزرگتر در توسعه منطقه‌ای و ارائه کمکهای مالی به بنگاههای تجاری کوچک و متوسط، انجام شده است. در آلمان، اصلاحات انجام شده، صرفاً مربوط به بخش تعاون به تنهایی نبوده است، بلکه این اصلاحات نتایج، تغییرات صورت گرفته در سایر زمینه‌های قانونی می‌باشد. در دهه ۱۹۹۰، اصلاحات انجام شده در بطن تکاملی عملکرد اتحادیه اروپایی در زمینه محاسبات و بازرسی‌های مورد نیاز در بخش

بانکداری تحت پوشش قوانین آلمان، قرار داشته است.

قانون مصوب ۱۹۹۳، الف: به انطباق و شفاف‌سازی مقررات خاص مربوط به بهبود و توسعه جریان موسوم به روش ثبت‌نام از اعضاء تعاونیها، اقدام کرده و ب: بخشی از شرایط مربوط به گردهمایی نمایندگان تعاونیها تغییر یافت. قانون مصوب ۱۹۹۴، در واقع به گسترش اهداف تعاونیها در زمینه انطباق با شرایط رقابت در بازار متحول می‌پردازد. به تعاونیها برای تجدید سازمان خود به هر شکل از فعالیتهای شرکتی که مایلند، و در راه همکاری با دیگر شرکتهای تولیدی، و یا تعلق برخی از فعالیتهای در بعضی از بخشهای تعاونی، دو قسمت کردن یک سازمان کامل و انتقال فعالیتهای آن به شرکتهای موجود یا تازه تأسیس یافته، اختیارات قانونی ویژه‌ای تفویض گردیده است. معرفی واحد پول یورو در اول ژانویه ۱۹۹۹، لزوم تغییرات اساسی در قانون شرکتهای تعاونی را به دنبال داشت. در فرانسه، قانون مدرنیزه کردن شرکتهای تعاونی مصوب ۱۹۹۲، ویژگیهای متعددی را با ماهیت انتخاب در تعیین اولویت دربرداشت که از آن جمله تجدید تقویت صندوقهای تعاون، جلوگیری از مشکلات عدیدهای که فراروی ایجاد شرایط مطلوب برای توسعه تعاونیها قرار داشت، را می‌توان ذکر کرد.

در ژاپن، از سال ۱۹۹۰ تاکنون، اقدامات قانونمند ویژه‌ای درخصوص فعالیتهای تعاونی، در پرتو آگاهیهای ناشی از اصلاحات مالی - اداری و از جمله بررسی مجدد نقش دولت در تعاونیها، انجام شد. تعاونیهای مصرف، بیش از این مجاز به ارائه خدمات به غیر عضو نمی‌باشند، اما اطلاعیه انتشار یافته در سال ۱۹۹۳ از سوی وزارت بهداشت و رفاه عمومی به آنها اجازه داد انواع خاصی از خدمات بهداشتی به غیر اعضاء ارائه نمایند. سالجاری، میزان و زنجیره خدمات ارائه شده به غیر عضو، گسترش یافته و از جمله این خدمات، تلاش برای اسکان افراد را می‌توان نام برد.

۲۱. در بین کشورهای گروه دوم،

کشورهایی وجود دارند که تغییرات اساسی در طول دهه گذشته در آنها، وضعیت و قالبهای حقوقی - اداری ناظر بر فعالیتهای تعاونی، را تحت تأثیر قرار داده است. در پرتقال، قانون جدید تعاون (۱۹۹۷)، سیستم‌های حقوقی جدید برای صندوقهای تعاونیهای اعتبارات کشاورزی مصوب (۱۹۹۵)، قانون همبستگی اجتماعی تعاونیها (۱۹۹۸)، به منظور ایجاد و یا مدرنیزه کردن موقعیت حقوقی مطلوبتر برای فعالیتهای تعاونی، تصویب گردیدند.

در ایسلند، قالب حقوقی تعاونیها، قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۹۹۱، در سال ۱۹۹۷، اصلاح گردید. قانون جدید به مراتب جامعتر بوده و بسیاری از شرایط و مقررات مشابه همان مقرراتی می‌باشد که در قوانین و مقررات، شرکتهای سهامی عام با مسئولیت محدود، وجود دارند. تغییرات اساسی، شرایط بیشتری را برای شرکتهای تعاونی مشابه مقررات ناظر بر شرکتهای تولیدی با مسئولیت محدود، فراهم آورده است. به عنوان مثال، تعاونیهایی که تجربه مشکلات مالی را پشت سر گذاشته و یا بنا به دلایلی به سرمایه بیشتر نیازمند بوده، فرصتی را برای افزایش سرمایه خویش از طریق انتشار اوراق سهام، مشابه اوراق منتشره توسط شرکتهای تولیدی با مسئولیت محدود، به دست آوردند. لیکن، چنین اوراق سهامی، دارای حق اعمال رأی نمی‌باشند.

جدیدترین تغییرات در قوه قانونگذاری تعاونیهای هلند به تاریخ ۱۹۸۹ بر می‌گردد و تصویب و تعریف جدیدی از تعاونیها را در بر می‌گیرد که عملاً منجر به معرفی مقررات خاص برای تسهیل معینی از تعاونیهای بزرگ شده است. در عین حال، مقررات مربوط به تعاونیها، تحت نظارت و سرپرستی واحد جداگانه‌ای، جمع‌آوری شده و نیز تعاونیها و شرکتهای بیمه مشترک به تبیین و تنظیم مقررات خاصی همت گماشتند، و به منظور تقویت موقعیت تعاونیها، به عنوان شخصیتهای حقوقی جدا، همراه با سازمانهای غیرانتفاعی و شرکتهای با مسئولیت محدود قوانین و دستورالعملهایی تصویب و اجرا گردید.

چالش‌های رویاروی تعاونی‌های جنوب

آسیا - ایجاد مزیتی نسبی (۱)

تمقیق پیرامون: "تعاونی‌ها در ممیبا جدید: نقش کارگران شرکتهای

تعاونی در جنوب آسیا (بنگلادش، هند، پاکستان و سریلانکا)"

(۱) کریشان. ک. تایمی

(Krishan. K. Taimni)

(۲) ترجمه: علی اکبر مقصودی

تقریباً در همه جای دنیا، تعاونیها با یکی از بحرانها روبرو هستند: بحران سرمایه، ایدئولوژی، اعتبار و مدیریت، سئوالی که به راستی مطرح می‌شود این است: چرا تعاونی‌ها؟

جهانی شدن اقتصاد دنیا، پا گرفتن شرکتهای چند ملیتی، تشکیل بلوک‌های تجاری، فوران فناوری اطلاعات و تشکیل بازارهای جهانی از تازه‌ترین پیشرفت‌هایی هستند که رهبران تعاونی‌ها را بر آن داشته که درنگ کرده، به بازنگری دقیق پرداخته و برای تقویت جناح خویش تدبیری بیاندیشند.

اتحادیه بین‌المللی تعاون (I. C. A) متأثر از وضعیت تعاونی‌ها در سطح جهانی بیانیهای در مورد هویت تعاونی‌ها تصویب کرده است. این بیانیه ضمن ارائه تعریفی از تعاونی، به تدوین ارزشهایی پرداخته که مدیریت و عملکرد تعاونی‌ها را به طور اساسی تقویت کند. در این بیانیه مجموعه‌ای از هفت اصل نیز آورده شده است. در مجموع، این بیانیه چارچوبی را ارائه می‌دهد که تعاونی‌ها بتوانند با توجه به آن با چالش‌ها و مقتضیات قرن بیست و یکم روبرو شوند.

از حالات مشخص شکل سازمانی تعاونی‌ها، بایستی به خصیصه‌های داوطلبانه بودن، ماهیت مشارکتی و بالاتر از همه تعهد آنها نسبت به حفظ معیارهای اخلاقی

همچون صداقت، آزادی عضویت برای همه، تعهدات اجتماعی و توجه به ملاحظات اخلاقی در معاملات و فعالیت‌های تعاونی، اشاره کرد.

مبارزه با استثمار، کاهش بی‌عدالتی، بهبود شرایط اجتماعی، حساسیت نسبت به برابری جنسیت و کمک به ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر، التزام عملی به حفظ محیط زیست و فرایندهای پایدار توسعه، همگی نشان از این دارند که تعاونی‌ها می‌خواهند شکل برتر و از نظر اجتماعی حالت بهینه یک سازمان باشند. باید دید آیا از دیدگاه این ارزشها و اصول، تعاونی می‌تواند بنگاهی اقتصادی نیز باشد یا خیر؟ این جنبه از تعاونی است که تعیین خواهد کرد که آیا تعاونی در این محیط جدید، ضمن حفظ وفاداری و اعتماد اعضا می‌تواند در بازار آزاد به بقا ادامه دهد یا نه.

افزایش اندازه و انتلاف عمومی تعاونی‌ها

علاوه بر توجه منقضي به توصیه‌های ارائه شده در بیانیه مربوط به هویت تعاونی‌ها که اتحادیه بین‌المللی تعاون آن را تصویب کرده است، از تعاونی‌های کشورهای جنوب آسیا انتظار می‌رود که دو موضوع دیگر را مدنظر داشته باشند. اولین موضوع موردنظر در رابطه با تغییری اساسی است که در ماهیت، حوزه و اساساً در روستاها ایجاد شده‌اند، این شرایط کم‌کم و به طور مستمر جای خود را به تعاونی‌های بزرگ و برخوردار از فناوری پیشرفته داده و تسلیم فرایندهای سازمان یافته می‌شوند. برخلاف

جهت‌گیری و گرایش خدماتی تعاونی‌های اعتبار (که بانکها و مؤسسات تولیدی تشکیل داده‌اند)، تعاونی‌های جدید تابع فرایندهای سازمان یافته هستند و بر افزایش مستقیم درآمد اعضا از طریق فعالیت‌های درآمدزا متمرکز شده‌اند.

از جهتی، این دگرگونی تعاونی‌ها در قبال بلوغ منطقه جنوب آسیا طبیعی است. این تغییر نه تنها بنیادی بلکه نشانه خوبی برای تعاونی‌ها

نیز هست. وقتی دولتها به یکباره تصمیم بگیرند که اعتبارات را به چیزی غیر از پیشرفتهای کشاورزی و روستایی اختصاص دهند، بیشتر تعاونی‌ها، که در حال حاضر به اعتبارات دولتی وابسته‌اند، خود را بی‌پشتوانه خواهند یافت.

مسئله دیگری که تعاونی‌های این منطقه با آن روبرویند، تغییرات درازمدت منتج از اجرای برنامه اصلاحات ساختاری تدریجی در اقتصاد است که دولتهای منطقه جنوب آسیا مطرح می‌کنند. برداشتن حصارهای اقتصادی، استقبال از سرمایه‌گذاری خارجی، ادغام تدریجی بنگاههای محلی در اقتصاد جهان و جهانی شدن بازارها، نظام‌های مالی، محصولات و خدمات از آن جمله‌اند. به هر حال، این جهانی شدن سود زیادی به جیب شرکتهای خصوصی سرازیر می‌کند. بنگاههای اقتصادی که سوگیری و گرایشی داخلی دارند، همچون تعاونیهای کشاورزی و از نظر معیارهای جهانی خرد هستند، در محیط‌های جدید خود را متضرر خواهند یافت.

به طور کلی، دولتهای منطقه نه تنها در



- منابع انسانی - اعضاء، رؤسا، کارکنان و مدیران - را توسعه داده و حفظ کنند.
 - توجه بیشتری به شرایط اقتصادی و اجتماعی که باعث پیشرفت اعضایشان می‌شود، داشته باشند.
 - مشارکت اعضاء را از طریق ارائه خدمات بهتر و متنوع‌تر تشویق کنند.
 - به جد طرفدار ارزش‌هایی همانند صداقت، آزادی عضویت برای همه و حفظ سلامت مردم و محیط‌زیست باشند.
 - روابط مبتنی بر همزیستی با دولت را توسعه داده و حفظ کنند.

آخرین عنصر در این استراتژی، حداقل در کوتاه مدت چندان مثرتر نخواهد بود، نه بیشتر به خاطر آنچه که دولتها باید انجام دهند، بلکه به خاطر آنچه که باید از دست بگذارند.

بهبود کارایی تجاری تعاونی‌ها

شایسته است که در اینجا به پیشنهادات ارائه شده در گزارش آی. سی. آ در مورد سازگاری تعاونی‌ها با یک محیط متغیر در آفریقا اشاره داشته باشیم. در خلاصه گزارش آمده است:

- ۸- بهبود کارایی تجاری
- ۲۸- بطور خلاصه، بهبود کارایی تجاری سازمان‌های تعاونی وظیفه مهم خود تعاونی‌هاست. آمیزه سنجش‌ها، بنا به موقعیت متفاوت است.
- ۲۹- به لحاظ انتقادی، در بسیاری از نمونه‌ها، بهبود مدیریت بسیار مهم است. مدیران فاقد استعداد تجاری بایستی تعویض شده و مدیران جدید مشغول کار گردند.

اصول تعاون به منظور سازگاری با ضروریات خاص یک بخش و تعیین اولویت مجدد که معمولاً از آن به عنوان اهداف اقتصادی و اجتماعی تعاونی‌ها یاد می‌شود، گریزی نیست.

از این‌رو، چالش عمده‌ی رویاروی تعاونی‌ها به عنوان نهادهایی متفاوت و به لحاظ اجتماعی آگاه و دارای حساسیت و گرایش مردمی، یافتن راهکارهای سودمند جهت ایجاد مزیت نسبی در بازار است.

تأملی بر یک استراتژی پایدار جهت توسعه تعاونی‌ها در شرایط بازار آزاد

امروزه چالش واقعی رویاروی تعاونی‌ها چگونگی ایجاد و حفظ مزیت‌های نسبی و برقراری ارتباط با بازار است. در ذیل عناصر یک استراتژی پایدار آورده شده است، که اگر تعاونی‌ها ساعیانه و مشتاقانه آنها را به کار گیرند، می‌تواند آنها را در گذر از وضعیتی مصیبت بار یاری کند.

تعاونی‌های منطقه جنوب آسیا باید تلاش کنند تا:

- ضمن استفاده بهینه از منابع، به منظور مستمر درصد ارتقای بهره‌وری باشند.
- در ارائه خدمات به اعضاء بالاترین کارایی را داشته باشند.
- قابلیت‌ها و شانس‌های مدیریتی را، از طریق طرح‌ها و ساختارهای سازمانی مؤثر، بهبود بخشند.
- سرمایه اعضاء را به کار انداخته و اهمیت بیشتری به تشکیل و انباشت سرمایه داخلی بدهند.

حال تعریف مجدد موقعیتشان نسبت به بازارها، بنگاههای خصوصی و عمومی و نیز در پی یافتن راه‌حلهایی برای بسیج منابع هستند، بلکه از نظر توجه بیشتر به کارایی منابع، بهره‌وری و کارآمدی تحت فشارند. بدین لحاظ، اخیراً دولتها تغییر موضع سؤال برانگیزی نسبت به تعاونی‌ها از خود نشان داده‌اند. دولتهایی که تا چند وقت پیش تعاونی‌ها را ضمانت، حمایت، راهنمایی و به لحاظ مالی تأمین می‌کردند، هم‌اکنون ظاهراً تحت فشار از هر نوآوری روی برگردانده و تعاونی‌ها را در بازاری آزاد و رقابتی به حال خود رها کرده‌اند تا با تکیه بر توان خود بایستند یا سقوط کنند. نتیجه مستقیم و بلافصل این پیشرفتها، برای بیشتر تعاونی‌ها، احتمالاً این است که به جای توجه به دولت که هم‌اکنون رو به فزونی است، توجه به بازار و توجه به اعضاء را مدنظر قرار دهند، بر اینکه از توجه دولت غافل باشند. تعاونی‌های این منطقه باید به سرعت نسبت به سازگاری فعالیتهای داخلی، تغییرات ساختاری، فرایندهای بهبود تصمیم‌گیری، تأکید بیشتر بر فعالیتهای درآمدزا، به کاراندازی سرمایه اعضاء بکارگیری سودمند فن‌آوریهای پیشرفته و بالاتر از همه، به کارگماری مدیریت بهتر و مبتنی بر ارزشهای تعاونی، اقدام کنند. معیار مشتری‌کی که برای سنجش عملکرد آنها به کار گرفته خواهد شد، بهره‌وری در استفاده از منابع و ارائه خدمات به اعضاء است. ملاحظات ایدئولوژیکی را نه باید نادیده انگاشت و نه ضرورت دارد تعاونی‌ها تابع این ملاحظات شوند. معهذاً، از تفسیر مجدد

ترکیب هیئت مدیره در سطوح مختلف باید طوری عوض شود که افراد دارای تجربه‌ی تجاری عضو هیئت مدیره شوند. هیئت‌های مدیره بایستی اقتدار قابل ملاحظه‌ای را به مدیران بدهند تا ایشان بتوانند در تصمیم‌گیری سرعت عمل و انعطاف به خرج دهند. آموزش می‌تواند عامل مهمی در بهبود تواناییهای مدیران باشد، اما نمی‌تواند جایگزین استعداد بنگاه‌داری شود.

۳۰- سازمانهای تعاونی کم‌توان دلایل محکمی برای ساده کردن وظیفه مدیران دارند. این مطلب خصوصاً در سطح شرکتهایی که بهبود عملکرد را مهم می‌دانند، از اهمیت برخوردار است. با تمرکز بر مجموعه محدودی از فعالیتهای هسته‌ای (معمولاً تجارت در زمینه یک یا چند محصول کشاورزی) می‌توان به این ساده‌سازی دست یافت. فرایند سازی یا ایجاد تنوع در دیگر فعالیتهای، از جمله مشروط کردن اعتبارات، تا وقتی مشروعیت دارد که فعالیت تجاری به حداقل موقعیت دست نیافته است، بنابراین فرایند غیرایدار و فعالیتهای غیرهسته‌ای، اغلب سازمانهای تعاونی را به تعطیلی می‌کشاند.

۳۱- تمام سازمانهای تعاونی برای حضور در بازار آزاد، ناگزیر به کاهش هزینه‌هایند. عدم انحصار به وجود مشارکت در بازار تعبیر می‌شود، حتی برای سازمانهای کارا که خواهان کاهش هزینه‌اند. سازمانهای کم‌توان باید هزینه‌ها را بیش از این کاهش دهند (بیرگارد و جنبری ۱۹۹۴).

برداشتن این گامها دشوار است، اما به تعاونیهای مورد مطالعه توصیه می‌شود که به دقت بدانها بیاورند، در موردشان به بحث و تبادل نظر بپردازند و بر طبق آنها عمل کنند.

نقش سازمانهای ائتلافی

فرض بدیهی این است که نجات تعاونیهایی که در چنبره مشکلات محاط شده‌اند، آنهایی که اولین حضورشان را در محیط‌های جدید تجربه می‌کنند، نیازمند واگذاری نقش‌های ترویجی، توسعه‌ای و سرپرستی از سوی کارگزاران/دولت به

ائتلاف‌های خود هستند. باور رایج این است که یک اتحادیه تعاونی مستقیماً جوابگوی تعاونی‌های عضو و تابع مسیر و نظارت هیئت مدیره‌ای منتخب باشد که به نحو ایده‌آلی استقرار یافته، تا تعاونی‌ها را حمایت و تقویت کرده و باعث ترقی آنها شود. آیا همه اینها طرفدار همان اصول نبوده، در علائق تک‌تک اعضاء شریک نیستند و در موفقیت یکدیگر سهم مشترکی ندارند؟

تجارب اخیر در مورد نقش و جایگاه اتحادیه‌های تعاونی در کشورهایی با سنتی دیرپا و غنی در فعالیتهای تعاونی نشانگر آن است که اتحادیه‌های تعاونی بعد از مرحله شکل‌گیری، بزودی به مرحله‌ای از خوداتکایی می‌رسند. (برازدا و شودیوی ۱۹۹۴) در این مرحله، اتحادیه‌های تعاونی در پی دستیابی به هویتی خودی و متمایزند، حتی اگر موقعیت آنها به موقعیتی نابمی نزول یابد. از سوی دیگر، جانرگارد (Jonnergard) اظهار داشته است که سازمان‌های ائتلافی، در روند پیشرفت سازمانی، از پنج مرحله می‌گذرند. این پنج مرحله عبارتند از: پیش از تشکیل، مرحله توجیه، مرحله وابستگی متقابل و مرحله سوگیری مجدد. شکست در سوگیری مجدد

مبارزه با استثمار، کاهش بی‌عدالتی، بهبود شرایط اجتماعی، حساسیت نسبت به برابری جنسیت و کمک به ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر، التزام عملی به حفظ محیط‌زیست و فرایندهای پایدار توسعه، همگی نشان از این دارند که تعاونی‌ها می‌خواهند شکل برتر و از نظر اجتماعی حالت بهینه یک سازمان باشند.

هم به مرگ سازمان ائتلافی و هم‌گست کامل از سازمانهای تابعه می‌انجامد.

یک اتحادیه تعاونی برای دستیابی به کارایی و موفقیت، باید به طور مداوم به دنبال نیل به دو هدف مرتبط با هم باشد. سازمان‌های تحت پوشش از خودمختاری، پایداری و ماندگاری برخوردار شده و توانایی ارائه خدمات به اعضاء در آنها بهبود یابد و همچنین به لحاظ اقتصادی بنگاههایی پایدار، ماندگار، نوآور و رقابتی باشند. بدون دستیابی توأمان به این دو هدف، سازمان ائتلافی مشروعیت و اعتبارش را از دست می‌دهد و اعضاء از عضویت هدفمندانه دست می‌کشند بین این دو می‌تواند رابطه‌ای سالم بوجود آید و محفوظ باقی بماند، اگر اتحادیه‌های تعاونی بتوانند سرمایه را انباشت کنند به کاهش هزینه‌ها کمک کنند و کارایی اعضایشان را افزایش دهند، از اعتماد اعضایشان لذت ببرند و تک‌تک تعاونی‌ها نیز قدرتمند، پایدار و ماندگار باشند و از اعتماد و اتکای اعضایشان به آنها لذت ببرند. پی‌ریزی، ایجاد و حمایت از اتحادیه‌های تعاونی یا قائل شدن نقش‌هایی خاص برای آنها در فعالیتهای، قوانین و اساسنامه شرکتهای تعاونی، به خودی خود برای تضمین اینکه این گونه از تشکلهای کارآ باشند و به بهبود کارایی اعضایشان نیز کمک کنند و حتی به عنوان سازمان‌هایی ائتلافی ناب به بقا ادامه دهند، کفایت نمی‌کند. تجربه فعالیت سازمانهای ائتلافی در منطقه محدود است. بنابراین، نباید پنداشت که اگر با تشکیل آن موافقت شود یا مکتوب گردد که سازمان‌های ائتلافی نقش‌های توسعه‌ای و ترویجی مشخصی را به عهده گیرند، تمام مشکلات، خصوصاً مشکلات تعاونی‌های بزرگ رفع خواهد شد.

در این زمینه باید تأکید بسیاری بر این امر شود که هزینه ارائه این نوع خدمات به اعضاء بایستی از محل درآمدهای سازمان ائتلافی تأمین گردد، ارتباط حمایتی متقابل، فرایندهای مدیریتی، نهادهای تصمیم‌گیری و ساختارهای اداره‌کننده‌ای نیز باید ایجاد شود. پس از شفافیت نقشها، خود به خود به این جنبه‌ها هم توجه خواهد شد.



تولیدی بر مأمورین تأثیر گذاشته و بر آنها فشار وارد می‌کنند، یعنی هیئت رئیسه و هیئت مدیره را از طریق فرایند مشارکت مستقیم اعضاء و کنترل دموکراتیک تحت فشار قرار می‌دهند. اعضاء تعاونی‌های تولیدی می‌خواهند به آنچه سرمایه‌گذاران، در بنگاهی متعلق به اعضاء، از طریق اختیار خروج می‌رسند، از طریق اختیار اظهارنظر برسند. به‌رحال، در بیشتر تعاونی‌ها، اعضاء به ندرت اختیار واقعی خروج را دارند. یک زارع نیشکر و یا دامدار، تقریباً بطور کامل، از نظر مالی به تعاونی وابسته است. در تعاونی‌ها فقط وقتی اعضاء امکان واقعی مشارکت و اختیار اظهارنظر را بیابند، هیئت رئیسه و هیئت مدیره ملزم به پاسخگویی شده و شرایط برای افزایش کارایی و بهبود عملکرد مهیا می‌گردد.

این واقعیت دارد که در بیشتر کشورهای پیشرفته اختیار خروج بهتر جواب داده و از این‌رو، کارایی بنگاه‌های خصوصی، متعلق به سرمایه‌گذاران، در نیل به اهداف مشابه در تعاونی‌ها، بهتر از اختیار اظهارنظر عمل کرده است. اما ناکامی اختیار اظهارنظر، پی‌آمد آنچه برت "عقلانیت محدود" در بین اعضاء تعاونی‌ها می‌نامند، است که از عدم تقارن، بیش از حد اطلاعات نشأت گرفته است. تنها تعداد خیلی کمی از اعضاء وقت کافی برای کسب دانش لازم جهت نظارت مؤثرتر بر مأمورین را دارند، در حالیکه مأموران، به نوبه خود انگیزه زیادی برای مخفی کاری دارند.

به علاوه، اختیار اظهارنظر، تنها به طور صوری وجود دارد. در بیشتر موارد مأموران دولتی، رهبران سیاسی و مدیران آژانس‌های توسعه، خواسته خود را بر تعاونی‌ها تحمیل می‌کنند. در چنین مواردی، ارزش اظهارنظر به کلی از بین می‌رود. اختیار اظهارنظر (مشارکت اعضاء) بیشتر به عنوان دردمسری ایدئولوژیکی نه ابزاری نیرومند جهت بهبود کارایی تعاونی‌ها به شمار می‌آید.

باید اهمیت بسیار بیشتری به مشارکت در تعاونی‌ها، هم در فرایند اداره تعاونی و هم اجرای قانون تعاون، داده شود. در برخی مطالعات میدانی به درستی اشاره شده است

هرشمن به عنوان اختیار خروج توصیف کرده است، خواسته خود را بر مأمورانشان تحمیل می‌کنند. آنها می‌توانند خیلی ساده شرکتشان را به مأموری دیگر بپارند. آزادی ورود و خروج در بین سرمایه‌گذاران که صاحب منابع هستند و تمایل به سرمایه‌گذاری نیز دارند، اجازه مشارکت در بنگاهی متعلق به سرمایه‌گذار را به آنها می‌دهد. بنابراین، آزادی ورود و خروج، تولیدکنندگان زیر حد مطلوب - و شرکتهای ناکارآ - و بالطبع تقاضای آنها مبنی بر استفاده از منابع کمیاب را حذف می‌کند. بدین‌سان، این امر مشکل ارزیابی عملکرد مأمورین را از بین می‌برد و به سیاستگذاری مدرنی می‌انجامد. مظنه قیمت‌های بازار سهام، در حد گسترده‌ای به عنوان معیار عملکرد بنگاه‌های متعلق به سرمایه‌گذاران به کار گرفته می‌شود. همچنین نحوه برخورد مالکان سرمایه‌گذار با حویشان برای خروج، بازار سهام را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به نوبه خود از آن تأثیر می‌پذیرد.

در مورد شرکتهای داوطلبانه و تعاونی‌ها، اختیار اظهارنظر جایگزین اختیار خروج می‌شود. رؤسا، آنها اعضاء یک تعاونی

اتحادیه‌های تعاونی مؤتلفه باید نقش محوری، خصوصاً در مرحله گذار، ایفا کنند. بنابراین این مراحل باید به طور مناسبی طراحی و از ابتدا به درستی پیاده شوند.

بهبود کارایی تعاونی‌ها از طریق مشارکت فعال اعضاء: اختیار "خروج" (Exit Option) و اختیار "انسهارنظر" (Voice Option)

بنگاه‌های سرمایه‌گذار - محور موردی نظری‌اند، که به عنوان ابزار تحمیل کمترین هزینه و بنابراین راه حلی اجتماعی و سودمند، برای بازار بسیار قدرتمند و شناخته شده‌اند و هم اکنون به آن بها داده شده و مورد تشویق نیز قرار می‌گیرند. (برت ۲۸۶، ۱۹۹۳).

هرشمن (Hirschman) به تفصیل به بحث در مورد مفهوم جوابگویی در ارتباط با بنگاه‌های تجاری و اینکه چگونه رؤسا (مالک - سرمایه‌گذار) و مأمورین (مدیران) در فهم آنچه یک عملکرد مناسب را شکل می‌دهد، به توافق نظر رسیده و می‌توانند به دقت و با هزینه‌ای قابل قبول آن را بسنجند، می‌پردازد. در اینجا، رؤسا از طریق آنچه



و همکاری تعاونی در سراسر دنیا

ترجمه و تلخیص: محمدتقی مدرس

کمک می‌کند تا در محیط اجتماعی خودشان و در اقتصاد محلی خویش به موقعیتهای نسبی مناسب دسترسی پیدا نمایند و فرصتهایی را ارائه می‌کند تا بتوانند روی پای خودشان بایستند و این سیاست از یک کمک فوری یا پخش پول ارزش بیشتری دارد و حمایتی است برای توسعه اقتصادی که در یک دوره کوتاه باید به استقلال اقتصادی واقعی مردم و مؤسسات و به ویژه تعاونیهایشان منجر شود.

در مؤسسه رابوبانک فعالیتها و ابتکارات کوچک با توجه به استعدادها و امکانات محلی ارزیابی می‌شود. درخواستها باید به صورت گروهی و از طرف مردم و مورد علاقه و تأیید آنها باشد تا بتوانند در یک چارچوب کاری به سهولت در آن مشارکت نمایند.

شرکتهای تعاونی اعتبار و پس‌اندازهای محلی در راه جلب حسن نیت مسیر توسعه پایدار را جستجو می‌کنند و وقتی گروههای محلی به این مرحله رسیدند می‌توانند از مؤسسه رابوبانک اعتبار طول‌المدت بگیرند.

همراه با کمکهای مالی، مشاورینی تعیین می‌شوند تا بر فعالیت گروههای مردمی و تعاونیها در مسیر توسعه به منظور دستیابی به خوداتکایی و استقلال عملکرد آنان نظارت نمایند و این همکاری به صورت زنجیره‌ای به صورت مشاوره برای مراحل بعدی ادامه می‌یابد. همچنین به یک تعاونی مستقل محلی برای ایجاد ارتباطات اقتصادی و سازمانی با دیگر تعاونیهای مشابه آگسهای لازم می‌دهد و در نتیجه تعاونیهای مختلف محلی با همکاری یکدیگر می‌توانند در ناحیه و یا منطقه خود به توسعه مورد نظر دست یابند در این مرحله ارائه اطلاعات علمی و آموزشی از امور اساسی هستند و همکاریهای فنی مؤسسه که با همکاری دیگر سازمانهای دست‌اندرکار توسعه صورت می‌گیرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مؤسسه "رابو بانک" تلاش دارد تا با متعادل کردن قوای اجتماعی و روحی و فیزیکی مردم جامعه‌ای متعادل را ایجاد

آستینها را بالا می‌زند و می‌تواند همکاری نماید و وسایل لازم پیشرفت را فراهم کند. رابوبانک بطور مستقل نه در تولید صنعت یا کشاورزی و نه در فعالیت‌های تجاری و بازرگانی هرگز نقش رهبری را برعهده نمی‌گیرد بلکه به مردمی که در این زمینه‌ها فعالیت نموده و تجاری اندوخته و در این مسیر گامهایی را برداشته‌اند کمک می‌نماید این مؤسسه اعتباری بزرگ تعاونی به ویژه از ابتکارات محلی حمایت نموده و در زمینه ارتقاء سطح دانش و تخصص‌های لازم با کمکهای مالی کوشش می‌نماید.

ساماندهی و تشکیل تعاونیهای اعتبار و پس‌انداز به عنوان وسیله‌ای برای توسعه اجتماعی در اولویت سیاستهای رابوبانک قرار دارد و همکاری دو جانبه رابوبانک مردم را قادر می‌سازد تا در زمان ضرورت از حمایت‌های اخلاقی، عملی و مالی مؤسسه برخوردار و فرصتهای مناسبی را برای بهبود وضعیت خود فراهم نمایند.

دبلیو میجر رئیس هیأت مدیره و رئیس مؤسسه رابوبانک مأموریت مؤسسه را طبق اساسنامه ارتقاء توسعه اجتماعی افراد و گروهها می‌داند مؤسسه در زمان آسیب‌دیدگی و نیاز پیشنهاد همکاری را به مردم می‌دهد، این مؤسسه همچنین به مردم

پیشگفتار

نخستین رابوبانک در صد سال پیش و در زمانی که این تعاونی براساس پیشنهاد انجمن محلی خدمات اعتباری ایجاد تأسیس گردید اعضای این مؤسسه با بررسی جنبه‌های اقتصادی و سوددهی و با تشریک مساعی و همکاری حضور مؤثر خود را در جهان توسعه دادند.

امروز مؤسسه رابوبانک با حفظ هدف کمک به مردم و برای بهبود وضعیت اقتصادیشان قرن دوم فعالیت خود را آغاز می‌نماید.

در بسیاری از نقاط دنیا و به ویژه در کشورهای پیشرفته و اروپای شرقی برقراری حقوق مساوی اقتصادی هدفی دست نیافتنی است و وابستگی و وضع نامساعد این مردم با کمک و حمایت از یکدیگر بهبود خواهد یافت.

در موقعیت حاضر مأموریت مؤسسه رابوبانک کمک به دیگران برای یافتن روشهای بهبود زندگی و پیشرفت در همه جهات است و این امر جای خرسندی است که می‌بینیم چگونه رابوبانک مردم را در جهت بهبود بخشیدن به محیط کار و زندگی خود همراهی می‌نماید و در مناطقی که مردم خود خواستار مساعدت آن هستند و

نماید. به عنوان مثال با تبدیل تشکیلات کشاورزی به انجمن‌های کاری و محلی شغل مفید بوجود آورد یا امکانات تفریحی را برای همه قابل دسترس نموده و یا وسایل بازی مخصوص برای بچه‌های معلول یا امکانات ویژه در مدارس مانند اسب‌سواری و غیره فراهم نماید و بالاخره کمک به مردم گرفتار در سرلوحه تلاش‌های آن مؤسسه قرار دارد.

سرمایه رابوبانک از طریق همکاری‌های داوطلبانه رابوبانک‌های محلی در سراسر کشور، رابوبانک هلند و بانک تعاون مرکزی آن کشور تأمین شده است بانکهای محلی یک درصد از سود خالص خود را به رابوبانک کشور می‌دهند و رابوبانک هلند نیز دو برابر کمکهای مزبور را در اختیار مؤسسات نیازمند قرار می‌دهد. هنگامی که گروه کارمندان رابوبانک یعنی آنهایی که به خادمان ۲۵ تا ۴۰ ساله معروف هستند به جای دریافت هدایا آنرا برای کمک به یک پروژه محلی اختصاص می‌دهند این مؤسسه از عملکرد خود احساس رضایت می‌کند.

پنج طرح موفق:

پرورش کرم‌ها برای توسعه امور

صید

دریاچه تیتیکاکا^(۱) با ۱۲۰۰۰ فوت ارتفاع از سطح دریا در کوههای آند در کشور پرو قرار دارد، آب و هوای کوهستانی به علت تبخیر حجم زیادی از آب دریاچه معتدل و به همراه موقعیت طبیعی مناسب موجب افزایش جمعیت شده است در این منطقه که مردم آن عموماً به فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، دامپروری و ماهیگیری می‌پردازند ماهی قزل‌آلا همواره مشتریان و بازار همیشگی خود را دارد. مزارع بسیاری از پرورش ماهی در طول دریاچه وجود دارد که در آن ماهی قزل‌آلا در قفس‌های شناور پرورش داده می‌شود به منظور تهیه غذای آنها پروژه‌های پرورش کرم که غذای مناسب ماهیان است ایجاد شده است و حیوانات غیرآبزی نیز از این غذای پروتئینی غنی استفاده می‌کنند و علاوه بر این خاک همراه با کرم در کشاورزی و پرورش نهال مورد

استفاده قرار می‌گیرد. بدین ترتیب غذا، شغل، درآمد و خبلی چیزهای دیگر به وجود کره‌ها بستگی دارد این طرحی عملی است و نظارت بر اجرای این پروژه زیر نظر یک سازمان پرویی انجام می‌شود و به مردم محلی آموزشهای کاربردی در این زمینه ارائه می‌گردد.

برای اجرای این طرح مؤسسه رابوبانک برای ۳۰/۰۰۰ دلار آمریکا که بیشتر از نصف سرمایه مردم می‌شود را اهدا کرده است به این صورت که یک سوم آن بلاعوض و بقیه به عنوان وام با شرایط مناسب هر جا که استعداد و امکانات باشد وام اعطا نموده است و از وجوه حاصل از برگشت تسهیلات دوباره در توسعه پروژه‌های دیگر استفاده می‌شود.

مالکیت ناشی از مشارکت

گروه‌های فقیر تنها در هند و آفریقا زندگی نمی‌کنند بلکه شما می‌توانید در اروپا هم زندگی نامساعد و زندگی توأم با فقر را مشاهده نمایید کولی‌ها نمونه‌ای از این گروه‌ها هستند درآمد خانوادگی آنها در دره هرنا^۲ مجارستان کمتر از نصف آن مقداری



است که رسماً در کشور به عنوان حداقل درآمد تعیین شده است و در نتیجه در این جامعه فقیر تهیه غذا اولین شرط بقا می‌باشد.

فعالیت‌هایی از طرف هلندی‌ها سازمان‌دهی شده است که در آن داوطلبان سعی کرده‌اند چشم‌اندازهایی از توسعه اقتصادی و اجتماعی را برای چنین مردمی ارائه کنند طرح‌هایی برای آموزش و پرورش و تأمین شرایط اولیه زندگی و تهیه پوشاک در این طرح‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

یک طرح عملی برای بهبود وضعیت مردم به این ترتیب ارائه شده است که یک باغ کوچک برای کاشت سبزیجات برای هر خانواده و زمینی با مساحت بیشتر برای استفاده اشتراکی روستائیان و کشت و کار آنها در نظر گرفته شده است.

با اجرای این طرح حالا روستائیان می‌توانند بیشتر احتیاجات غذایی خودشان را برای فصل زمستان تأمین نمایند و علاوه بر آنها کشت لوبیا، هویج، جعفری، خیار، گوجه‌فرنگی را در مقیاس کوچک برای عرضه به بازار شروع کنند با توجه به نتایج حاصله مفید در طی چند سال این پروژه در ۲۰ روستای دیگر گسترش داده شده است.

در حال حاضر روستائیان علاوه بر کشاورزی، دام و مرغ نیز پرورش می‌دهند این حیوانات نه تنها مصارف غذایی دارند بلکه کود آنها برای کشاورزی و باغات دارای اهمیت است.

پروژه احداث جنگل نیز طرحی است که در آینده اجرا می‌شود و اجرای این طرح برای ۱۵۰۰ خانوار را در بر می‌گیرد و هر پروژه برای ۱۵ نفر شغل دائمی ایجاد می‌کند مؤسسه رابوبانک ۱۰۰/۰۰۰ - NLG به صورت اعتبار برای گسترش این پروژه در نظر گرفته است همانطور که بیان شد هدف مؤسسه رابوبانک کمک به مردم برای خوداتکائی است و در پی آن نیست تا مردم نیازمند را به کمک‌های خارجی وابسته نماید و در نتیجه به روستاهایی که در این مسیر مشارکت داشته‌اند کمک می‌نماید تا با فعالیت‌های تجاری و مالی به همکاری با یکدیگر پردازند.

ساماندهی و تشکیل تعاونیهای اعتبار و پس انداز به عنوان وسیله‌ای برای توسعه اجتماعی در اولویت سیاستهای رابوبانک قرار دارد و همکاری دو جانبه رابوبانک مردم را قادر می‌سازد تا در زمان ضرورت از حمایت‌های اخلاقی، عملی و مالی مؤسسه برخوردار و فرصتهای مناسبی را برای بهبود وضعیت خود فراهم نمایند.

اعتبارات کوچک

خلیج سایبک^۳ (فلیپین) تا دو سال پیش در پناه کوه پیناتوبو^۴ پایگاه نیروی دریایی آمریکا بود. انفجار کوه آتشفشان در سال ۱۹۹۲ و تخلیه پایگاه و کاهش جمعیت تأثیر شدیدی را بر اقتصاد منطقه گذاشت و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده بعدی نیز تأثیر چندانی بر وضعیت مردم محلی نداشت و می‌بایست بهبود واقعی از طریق ابتکارات با بعد کوچک مورد توجه قرار گیرد. یکی از این ابتکارات که توسط یک کشیش ایرلندی و با همکاری یک سیستم بانکی به نام گرامین^۵ صورت گرفت هدایت پس‌انداز مردمی و شرکت در برنامه‌های آموزشی و اطلاعاتی و سپس استفاده از وام برای طرحهای کوچک بود به نحوی که زنان مسحلی را در گروههایی را در حومه فقیرنشین شهر سازماندهی کرده و با دریافت وامی در حدود ۵۰ دلار آمریکا برای هر یک از آنان، این گروهها را قادر ساخت تا به فعالیت‌های درآمد مانند نگهداری مرغ، دام، پرورش ماهی یا تولید و فروش پوشاک بپردازند. این زنان به عنوان ضامن برای یکدیگر عمل نموده و اقساط وام‌های خود را به صورت هفتگی می‌پردازند و همزمان با بازپرداخت اقساط ۲۰٪ بیشتر نیز پرداخت می‌کنند تا به این صورت و با پس‌اندازی تدریجی برای خود بعداً بتوانند براساس پس‌انداز خود مجدداً از تسهیلات استفاده نمایند.

افرادی که برای بار اول از وام استفاده می‌کنند معادل ۵٪ از وام آنها به صورت سپرده و پس‌انداز به نام آنها نگهداری می‌شود.

این برنامه در مراحل اولیه خود قرار دارد و تاکنون در حدود ۱۵۰ گروه با بیش از ۱۰۰۰ شرکت کننده را تحت پوشش قرار

داده است و زمانی که تعداد آنها به ۱۸۰۰ نفر برسد این سیستم می‌تواند از نظر مالی خود اتکا شود و زیرا با همکاری و مشارکت جوانانی که بیشتر زن هستند و با توجه به آموزش‌هایی که در این زمینه دیده‌اند می‌توانند در اداره امور زندگی و کار خود استفاده نمایند.

شروع مجدد تمام کارها

وقتی در سال ۱۹۸۶ ابری از گاز سمی بالای دریاچه نیور^۶ را پوشاند باعث مرگ نیمی از ساکنین منطقه و ۸۰٪ حیوانات شد و هیچ تضمینی برای تکرار آن در آینده وجود نداشت. در نتیجه باقیمانده مردم به منطقه WUM برده شدند و این امر باعث شد بین ساکنان اصلی که عمدتاً کشاورز بودند و مهاجرین جدید بحرانی بوجود آید.

با مطالعه و تحقیق در باب حل مشکل تصمیماتی بدین صورت اتخاذ گردید که در هر روستا توسط هیأت‌های محلی و با مشارکت زنان نسبت به تشکیل تعاونی اقدام و زنان در زمینه تولید کره، پنیر و صنایع دستی فعالیت و در جهت بهبود کیفیت چراگاهها، ساخت حصارها، دسترسی به آب، پرورش گله و تولید لبنیات و مواد غذایی همکاری مؤثری داشته باشند و در اجرای یک برنامه اعتباری به هر نفر حداکثر ۱۶۰ دلار آمریکا و برای مدت یکسال پرداخت و در مواردی که لازم باشد وثیقه گرفته شود. برای گسترش این برنامه مبلغ ۳۸۰۰۰ دلار به وسیله رابوبانک تدارک شده است.

تعاونیهای اعتبار و پس‌انداز

ساناسا سری لانکا با ۸۰۰۰ تعاونی و بیش از ۷۵۰/۰۰۰ نفر عضو یکی از بزرگترین سازمانهای پس‌اندازی و اعتباری جهان سوم

به شمار می‌رود اعضای ساناسا از فلسفه مردمی فردریش رایف آیزن^۷ مبنی بر توسعه کمکها و همکاری‌های دو جانبه در جامعه آلمان الهام گرفته‌اند چرا که او مبتکر تعاونی‌هایی بود که به صورت دموکراتیک و یا با قبول مسئولیت به وسیله اعضای اداره می‌شود.

در حال حاضر سپرده تعاونیهای عضو ساناسا در سری لانکا بالغ بر ۴۲ میلیون دلار آمریکا می‌باشد که ۳۳ میلیون دلار آن جهت تأمین منابع برای پرداخت وام‌ها و اعتبارات استفاده می‌شود. در عین حال این تعاونیها به صورت پراکنده و کوچک باقی مانده‌اند و توانایی آنها محدود است.

بانک توسعه ساناسا در سال ۱۹۹۷ به منظور ایجاد رشد بیشتر و ارائه خدمات مالی به تعاونیها و کمک به توسعه آنها برنامه‌هایی را اجرا کرده است. این بانک همچنین برای تعاونیهای اعتباری به صورت بانک مرکزی عمل می‌کند. این بانک علاوه بر اعضای تعاونی به افراد غیرعضو و تجار کوچک که در خارج از شهرها استقرار دارند خدمات اعتباری ارائه می‌دهد.

این بانک از آغاز کار خود با مؤسسه رابوبانک در جهت توسعه همکاری محلی و ارائه خدمات اعتباری همکاری نزدیکی دارد بانک توسعه ساناسا نیز به تعاونیها براساس همکاری دو جانبه کمک می‌کند و تعاونیهای مزبور براساس قراردادی می‌توانند به عنوان عامل بانک در مسیر توسعه اهداف ساناسا عمل کنند اجرای این برنامه قدرت آنها را در فروش محصولات، افتتاح حسابهای جاری، بررسی وام‌ها و جمع‌آوری سپرده و اطمینان به بازپرداخت سرمایه و سود متعلقه تقویت می‌نماید.

پی‌نوشتها:

- 1- Lake Titicaca
- 2- Hernad Valley
- 3- Subic Bay
- 4- Pinatubo
- 5- Grameen
- 6- Lake Nyos
- 7- Friedrich - Riffeisen

۲۲- مهمترین تغییرات در نحوه قانونگذاری در ایتالیا، قانون ۱۹۹۱ را شامل می‌شد، و این قانون بر فعالیتهای اجتماعی تعاونیها در زمینه‌های (الف): بهداشت عمومی و خدمات آموزشی و (ب) اعاده اعتبار اجتماعی افراد متضرر شده از قیبل (معلولین، محکومین سابق و معتادین به مواد مخدر و غیره) نظارت داشت. قانون مصوب ۱۹۹۲، اصلاح جامعی را به دنبال داشت از جمله ارائه تغییرات اساسی بسیاری در نحوه قانونگذاری برای تعاونیها. از مهمترین این تغییرات را می‌توان، فراهم آوردن امکان دستیابی به شرکای مالی خارج از سیستم تعاونی، نام برد، و این تغییر، در واقع به حل و فصل مشکلات زیادی از جمله کمبود سرمایه که معمولاً اکثر تعاونیها از آن رنج می‌برند، کمک شایانی نمود. جدیدترین قانون مصوب ۱۹۹۷، تعریف خاصی از تعاونیهای کوچک ارائه نمود و همزمان برای تسهیل امور مربوط به تشکیل تعاونیها و ارائه روشهای اجرایی ساده‌تر، به ویژه، مشارکت آنها در یک سیکل رقابتی برای انعقاد قراردادهای عمومی بیشتر، مقرراتی را وضع کرد. قوانین متعدد و بیشمار برای توسعه تعاونیها از سال ۱۹۹۰ تاکنون در اسپانیا تصویب و اعلام شده‌اند که هدف عمده از آنها حصول اطمینان از استقلال - و قانونمندی تعاونیها و آمادگی آنها همراه با قابلیت انطباق در تأمین و تدارک نیازمندیهای یک بازار مدرن، بسیار رقابتی و دارای پایگاه حقوقی مناسب برای انجام مکاتبه (مذاکره) با اتحادیه اروپایی، همچنین ارائه کمک به تعاونیها برای تأسیس و راه‌اندازی کارگاه‌های تولیدی، تبیین و تنظیم فرمول به مراتب مردمی‌تر برای تعاونیها در میان گروههای غیرانتفاعی فعال در بین جمعیت به منظور توسعه و تعمیق همکاریهای مشترک بین تعاونیها، بوده است.

۲۳- در ماه مارس ۱۹۹۷، دولت کانادا، نسبت به ارائه یک "قانون شرکتهای تعاونی" به منظور مدرنیزه کردن قوه قانونگذاری موجود و قرار دادن تعاونیها در جایگاهی بهتر جهت پاسخگویی به چالشهای فراروی

جوامع روستایی، اقدام نمود. این قانونگذاری جدید، نسبت به تداوم اصول تعاون برای ماندن نهضت، اطمینان می‌دهد، و انتظار می‌رود که از پائیز ۱۹۹۸ عملاً به اجرا در آید. تغییرات مورد نیاز مدرنیزه کردن قوه قانونگذاری قبلی و انطباق بسیاری از اصول ناظر بر شرکتهای کانادائی و انعکاس فضای متحول اقتصادی از جمله ایفای نقش مهم نسای سرمایه در بازار، انجام گرفت. این تغییر و تحولات به تعاونیها جهت دسترسی به ابزار مالی جایگزین، شامل، افزایش سرمایه از طریق غیراعضاء در حالیکه اصول مهم تعاون و از جمله کنترل دموکراتیک توسط اعضاء خدشه‌دار نشوند، کمکهای شایانی نمود.

۲۴- در گروه سوم به کشورهای بر می‌خوریم که اصلاحات مربوط به قوانین کشوری و قالیهای اداری، ناظر بر فعالیتهای تعاونی، همچنان در مرحله هماهنگی و انطباق بسر می‌برند. در فنلاند، قانون تعاون با هدف به روز درآوردن اصول قدیمی و بخصوص در زمینه مقررات مالی مرتبط با فعالیتهای تعاونی، به طور جدی مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته است. البته فرایند اصلاح قویاً مورد حمایت تعاونیهای که هدفی جز کسب آزادی برابر با بخش خصوصی در زمینه فعالیتهای تولیدی ندارند، قرار دارد. این مرحله از اصلاحات، می‌بایست در سال ۱۹۹۹ به تمام می‌رسید. تعاونیهای اتریش، جهت رویارویی با چالشهای جهانی اقتصاد، اصلاحات عمیقی را در درون خود پذیرا شده‌اند. در این مقاله تحقیقی، اقدامات و ابتکارات متعددی، پیرامون بهبود کارائی و کارآمدی روشهای اداری، پالایش و ارائه اطلاعات به اعضاء همانند سهامداران، روشهای تسهیل مشارکت در بخش تعاون و نهایتاً تقویت وضعیت حقوقی تعاونیها، ارائه گردیده است. در یونان، به عنوان مثال، با هدف تقویت عملیات و افزایش بهره‌وری تعاونیهای کشاورزی در قالب بنگاههای تجاری خودگردان، خودمختار و مستقل، قانون جدیدی با اتکاء به اصول بین‌المللی تعاون

تهیه و تصویب گردیده است.

در کشورهایمانند پرتغال و قبرس، فرآیند بازبینی و اصلاح قانون تعاون همچنان در حال اجراست. وزارت بهداشت و رفاه ژاپن، یک گروه متخصص را مأمور انجام بررسی نقش تعاونیهای مصرف آن کشور، در قرن بیست و یکم، کرده است. حتی در کشورهای نظیر بریتانیا که تعاونیها از سال ۱۹۹۰ تاکنون تنها در قوانین فرعی و دستور العملهای اجرایی مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته‌اند، این امیدواری همچنان در میان تعاونگران وجود دارد که بزودی تحولاتی بنیادین در قوانین اصلی مربوط به تعاونیها بوجود آید. انتظار می‌رود که قوانین و مقررات پیشنهادی، به مدرنیزه و به مراتب عملی‌تر و کارآمدتر کردن نظام تعاونی، با تأکید بر این اصل مهم که تعاونیها با دیگر بنگاههای تجاری بازرگانی، کاملاً تفاوت دارند، بیانجامد.

۲۵- آلمان که از اتحاد مجدد تاکنون موقعیتی بی‌نظیر کسب نموده است، برای بازبینی و اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر بخش تعاون که سابقاً به صورت ساختارهای سازمانی دولتی و نیمه‌دولتی قلمداد می‌شدند، گامهایی ویژه و جدی برداشته است. متعاقب اتحاد مجدد دو آلمان، قانون تعاون جمهوری فدرال آلمان، شرکتهای تعاونی فعال در جمهوری دموکراتیک آلمان سابق را نیز تحت پوشش قرار داد. لیکن، به منظور فراهم آوردن شرایط قانونی لازم برای انتقال قانونمند تعاونیهای سابقاً سوسیالیست به دنیای آزاد و سیستم بازار و ایجاد بستر قانونی یکسان و مشابه، مقررات اضافی دیگری لازم بود که پایه و اساس آنها را "قرارداد الحاق" بوجود آورده بود. به علاوه "حکم" مربوط به تأسیس، نحوه فعالیت و تجدید سازمان تعاونیهای تولید صنایع دستی و "قانون اصلاح نهادهای کشاورزی" از جمله تجدید سازمان، انحلال و اتمام فعالیتهای تعاونیها، و همچنین مسائل مرتبط با حقوق اعضاء نسبت به دارائیهای شرکت، هم اکنون نیز در سرتاسر آلمان نافذ و جاری می‌باشد.